

قرارداد فروش گاز به ترکیه. آقای اربکان و حزب الله!

فرا تر از دو ماه است که مشعل خط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه بر بلندای کوه‌های مشرف بر مرز بازرگان فروزان است، مشعلی که شاید بتوان آن را نمادی از شکست قراردادهای بی‌پشتوانه و عجولانه دوران سازندگی در زمینه‌های نفت و گاز دانست.

در سال ۱۹۹۵ ایران موافقت‌نامه‌ای با زمان اجرای ۲۲ ساله و به ارزش ۲۰ میلیارد دلار برای تحویل سالانه ۳ میلیارد متر مکعب گاز (که امکان افزایش تا ۱۰ میلیارد متر مکعب را هم دارد) با دولت خانم تانسوچیلر امضا کرد. اجرای این موافقت‌نامه به دلیل مخالفت آمریکا با آن متوقف ماند تا در سال ۱۹۹۶ و همزمان با روی کار آمدن دولت اسلامگرایی نجم‌الدین اربکان، موافقت‌نامه مزبور به صورتی ناشیانه و بدون توجه به این فرض که ممکن است روزی روابط دوستانی بین دو کشور دستخوش تغییر شود، به صورت قراردادی رسمی و فعال درآمد و مقرر شد تا در حدود سال ۲۰۰۰ میلادی با ایجاد خطوط لوله و تأسیسات مورد نیاز، انتقال گاز ایران به ترکیه آغاز شود. در چارچوب قرارداد مزبور ایران کار ساخت خط لوله گاز را در قلمرو خود با آنکا به یک وام ۲۰۰ میلیون دلاری در موعد مقرر، یعنی در آغاز قرن جدید میلادی به پایان رساند اما طرف ترک شاه لوله ۱۰۵۰ کیلومتری خود را در این مدت ساخت و از این رو کار مبادله گاز عملی نشد، پس از آنکه ترکیه اعلام کرد که خرید گاز در آغاز سال ۲۰۰۰ انجام نخواهد شد هیأتی از ترکیه به سرپرستی گوگخال یاردیم رییس شرکت سهامی خطوط لوله نفت و گاز ترکیه به تهران آمد و متعاقب آن هیأتی ایرانی به سرپرستی کمال خرازی وزیر امور خارجه ایران عازم ترکیه شد و سرانجام در اقدامی که طرف ترک آن را «حسن نیت بالای ایران» نامید، مقرر شد تحویل گاز ایران به ترکیه از ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱ یعنی یکسال و نیم دیگر آغاز شود بدون ذکر مقدار گاز تحویلی. بدین ترتیب ترکیه بدون پرداخت غرامت، ایران را با اقساط سررسید سه ان وام ۲۰۰ میلیون دلاری که باید از محل عایدات خط لوله بازپرداخت شود، تنها گذاشت. این وضع در حالی به ایران تحمیل شده است که طرف ایرانی در قرارداد مورد بحث صرف ترک را ملزم به خرید گاز، یا پرداخت بخشی از بهای گازی که از تحویل‌گیری آن شانه خالی

می‌کند کرده بود. در چارچوب قرارداد مزبور طرف ترک مکلف بود در صورت تأخیر در اجرای قرارداد، حداقل نیمی از بهای حجم مقرر گازی را که باید تحویل بگیرد، به ایران بپردازد، اما این توافق هرگز به اجرا در نخواهد آمد، زیرا این قرارداد از نظر حقوقی چنان ناشیانه منعقد شده است که در آن نه زمان دقیق آغاز طرح انتقال ذکر شده است و نه میزان دقیق خرید گاز از سوی ترکیه. از این رو اصل پرداخت غرامت در قرارداد نامشخص و غیرعملی می‌نماید.

یک پرسش از وزارت خارجه

در رابطه با وضعیت جدیدی که بر قرارداد فروش گاز ایران به ترکیه حاکم شده، ذکر دو موضوع ضروری است. نخست اینکه برخلاف رؤسای دوران سازندگی و عاقدان این‌گونه قراردادهای، کسانی بودند که همان زمان در مورد نقش مزدورانه دولت آنکارا و احتمال اخلاف و خلف وعده در قرارداد مورد بحث هشدارهای جدی دادند. از جمله همین ماهنامه در شماره ۶۹ خود (آبان ۱۳۷۶) در صفحه ۱۰ نوشت: «... پیروزی اربکان و سفرش را که منتج به عقد فروش گاز به ترکیه شد، به فال نیک گرفتیم... و این در حالی است که سیاست دوگانه ترکیه در قبال ایران ادامه دارد: از یک طرف آقای اربکان می‌گوید اجازه نمی‌دهد هیچ عاملی بر روابطش با تهران که بسیار دوستانه هم هست اثر بگذارد و از طرف دیگر خانم تانسوچیلر وزیر خارجه آقای اربکان هیچ فرصتی را برای وارد آوردن اتهام به ایران از کف نمی‌دهد. از جمله، در حالی که هنوز تکلیف حمله نیروهای نظامی ترکیه به مناطق مرزی ایران، معذرت‌خواهی آنکارا و پرداخت غرامت و خون‌بهایی کشته‌شدگان و خانه خراب‌شدگان این حادثه معلوم نشده، خانم چیلر بار دیگر ادعای حمایت ایران از چریک‌های پ.ک.ک را مطرح می‌کند...»

قرارداد فروش گاز با ترکیه در زیر سایه فریب ناشی از روی کار آمدن دولت آقای اربکان اسلام‌گرا بسته شد و ترک‌ها برای شانه خالی کردن از زیر بار تعهدات خود باز هم اسلام‌گراها را بهانه قرار دادند. بدین ترتیب که دقیقاً در بهمن ماه و همان روزی که آقای خرازی وزیر خارجه

ایران برای گفت‌وگو در این باره به ترکیه رفته بود، ناگهان شبکه حزب‌الله ترکیه کشف شد و رهبر آن به قتل رسید!

ترک‌ها ماجرای کشف شبکه حزب‌الله و ادعای ارتباط آن با برخی محافل در ایران را چنان دقیق سازمان‌دهی و زمان‌بندی کرده بودند که به نظر می‌رسد طرح این پرسش از وزارت خارجه کشورمان بی‌مورد نباشد که آیا مذاکرات و توافقاتی انجام گرفته در آن سفر، تحت تأثیر این جو قرار گرفته است یا خیر؟

از سوی دیگر باید توجه داشت که آمریکا و اسرائیل متحدان نزدیک ترکیه همچنان خواهان منزوی کردن ایران هستند. علاوه بر این ترکیه منافعی درازمدت در آسیای میانه دارد. از جمله این کشور یک قرارداد خرید گاز به حجم ۱۶ میلیارد متر مکعب با ترکمنستان و روسیه منعقد کرده و از سال آینده میلادی کار تحویل گاز این کشورها به ترکیه آغاز می‌شود. همچنین مدتی است که شرکت‌های ترک مشغول اکتشاف گاز در مصر هستند و براساس توافقی که بین ترکیه و مصر شده، این احتمال وجود دارد که خط لوله‌ای پس از عبور از خاک اسرائیل و اردن در سال ۲۰۰۳ سالانه ۴ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه برساند، بدین لحاظ این احتمال وجود دارد که طرف ترک حتی در سال آینده نیز از تحویل‌گیری گاز ایران خودداری کند و بدون برخورد با عواقبی شدید، قرارداد خود با ایران را لغو کند.

دولت ایران در سال‌های ۹۵، ۹۶ و ۹۷ اقدام به امضای یک سری قراردادهای در زمینه نفت و گاز کرد که همواره مفاد آنها با انتقادات گسترده‌ای مواجه بوده است. در جهان کنونی این یک واقعیت غیرقابل انکار است که هیچ‌کس یا هیچ کشوری تن به تلاش برای حفظ منافع دیگران نمی‌دهد و این دولت‌ها هستند که باید در چارچوب اصول قراردادهای منعقد شده برای حفظ منافع ملت خویش اقدام کنند. تدوین ناصحیح قراردادهای امضای بدون کسب تأیید مجلس و بی‌توجهی به اصول داوری بین‌المللی در قراردادهای به ویژه در زمینه نفت و گاز که پیچیدگی قرارداد و تعهدات در آن بسیار بالا است سبب می‌شود تا آنچه برای افراد و دولت‌های بی‌توجه باقی می‌ماند فقط اقساط وام‌ها و تبعات آن و نیز دود مشعلی که به آسمان می‌رود، باشد! □